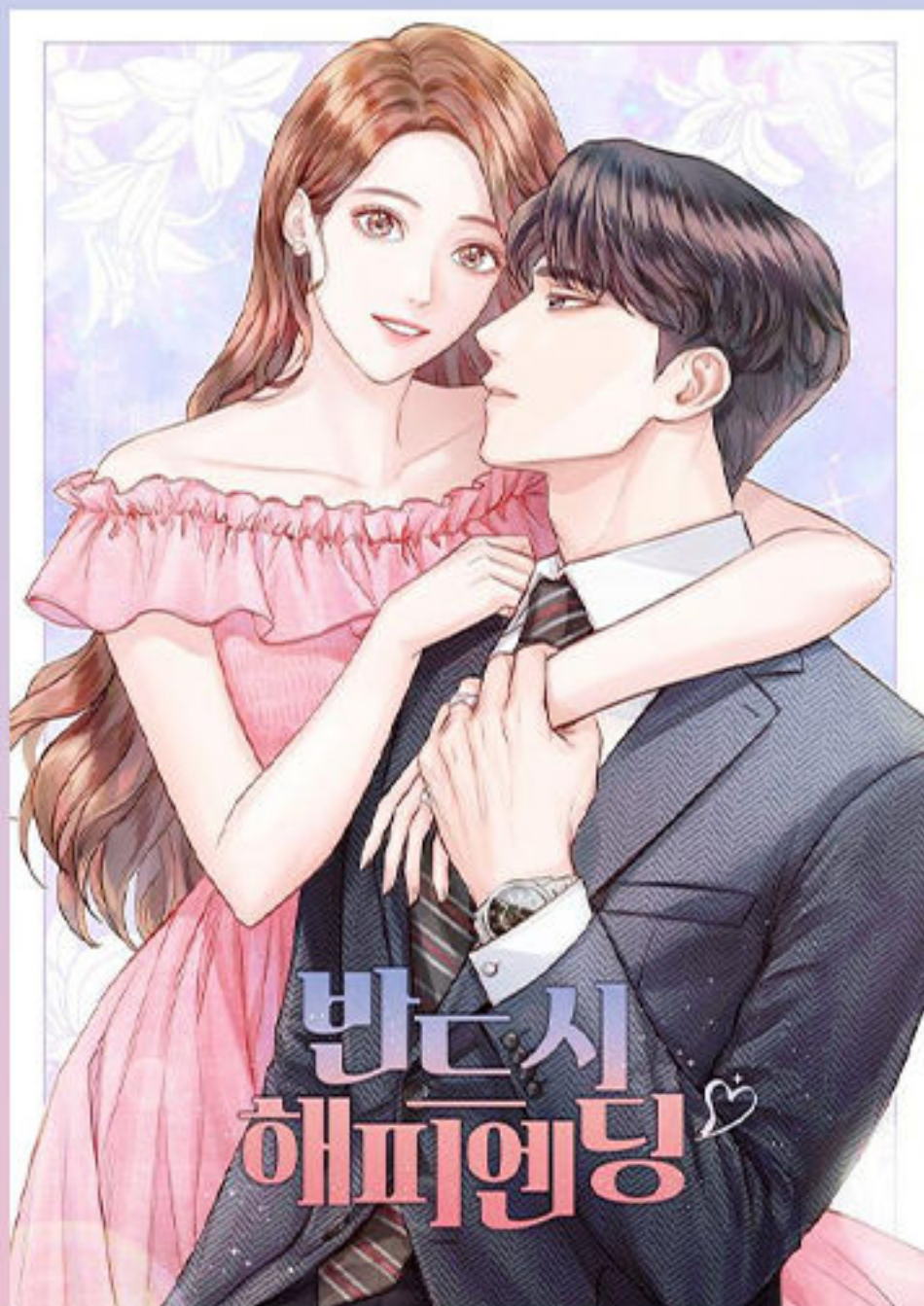




IRISEKAI



T.me/IriSekai



instagram.com/IrisSekai

Vera
Robin
Robin

مترجم:

کلینر:

تایپیست:

و اون ها به خوبی
و خوشی کنار هم
زندگی کردند.

توی دوران کودکی
تمام قصه های
پریان





یه پایان
خوش داشتن.

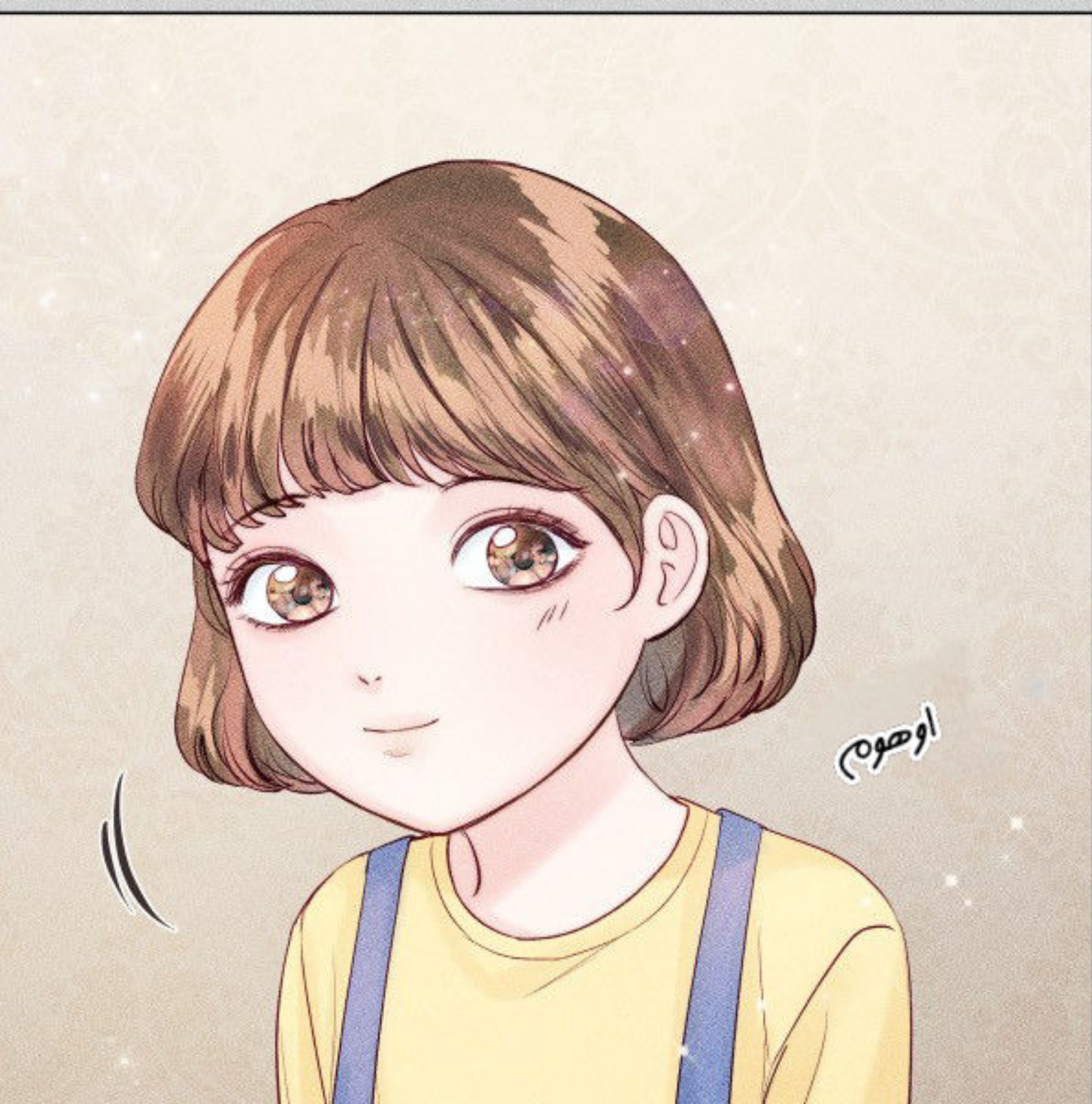
آفرین
لی یون وو! خیلی
خوب خوندی!





꿈지각..

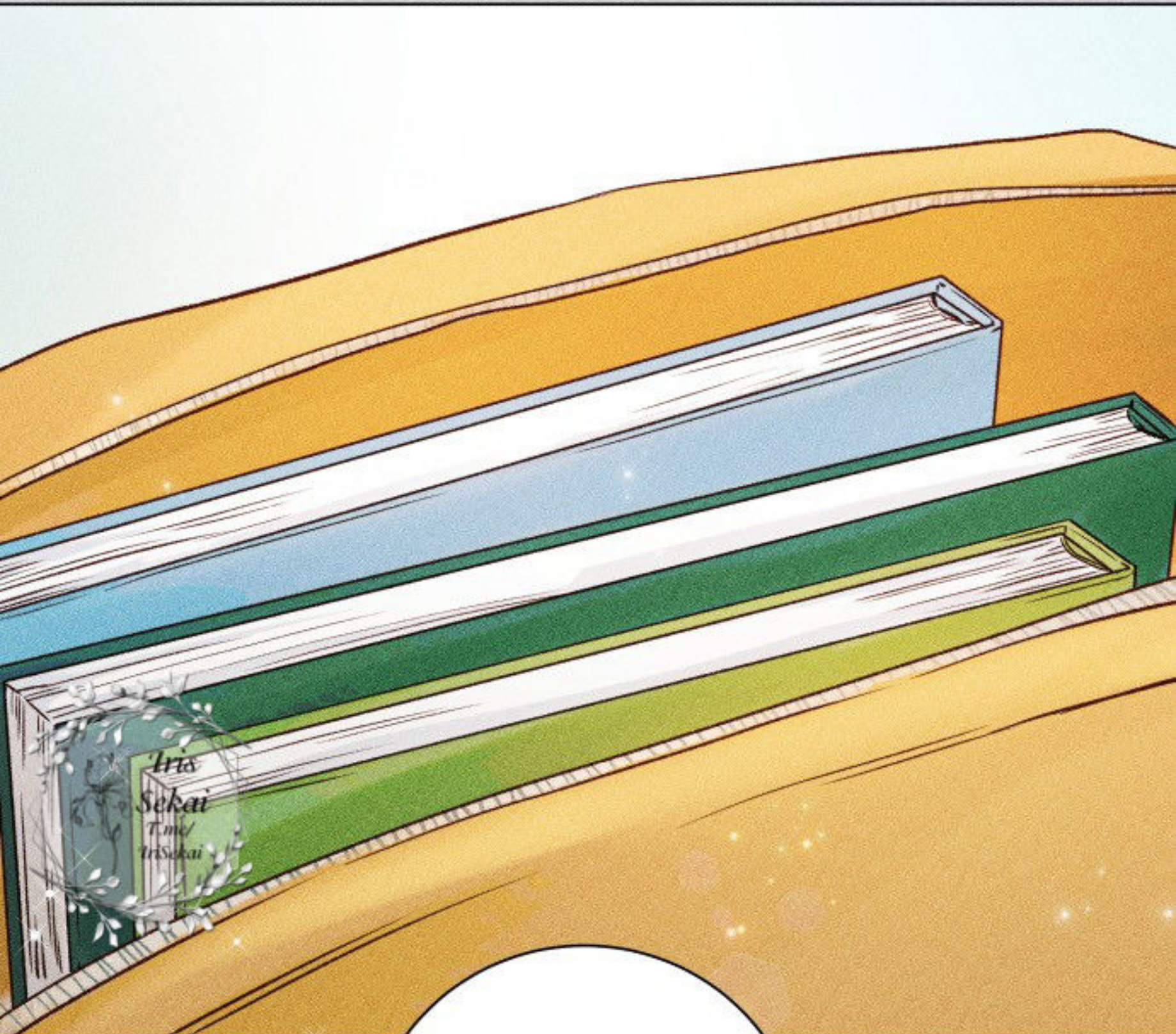
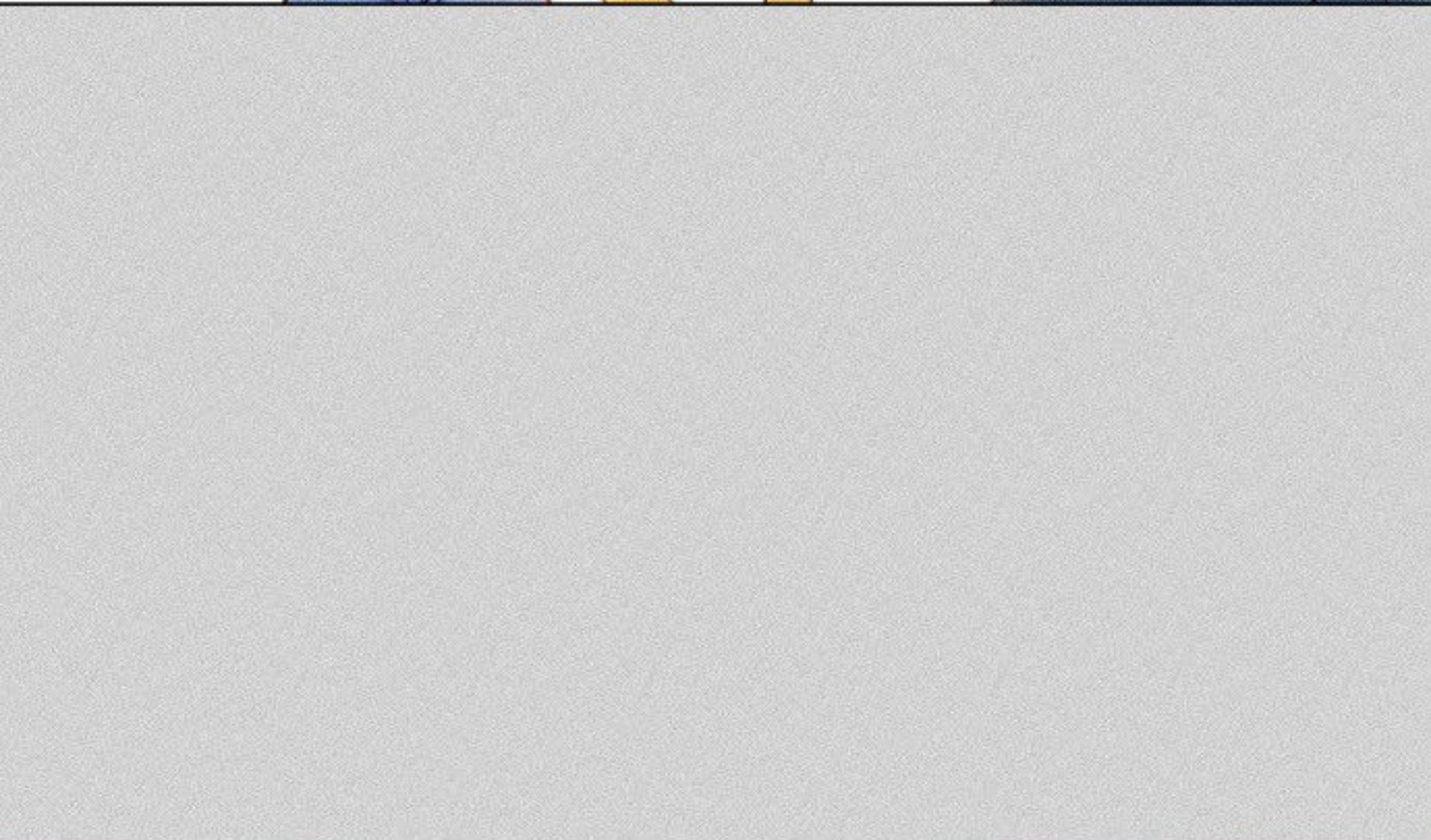
الان همه
الفبا رو بلدی؟



اووهوم



پس بیا
همشون مال
تو!



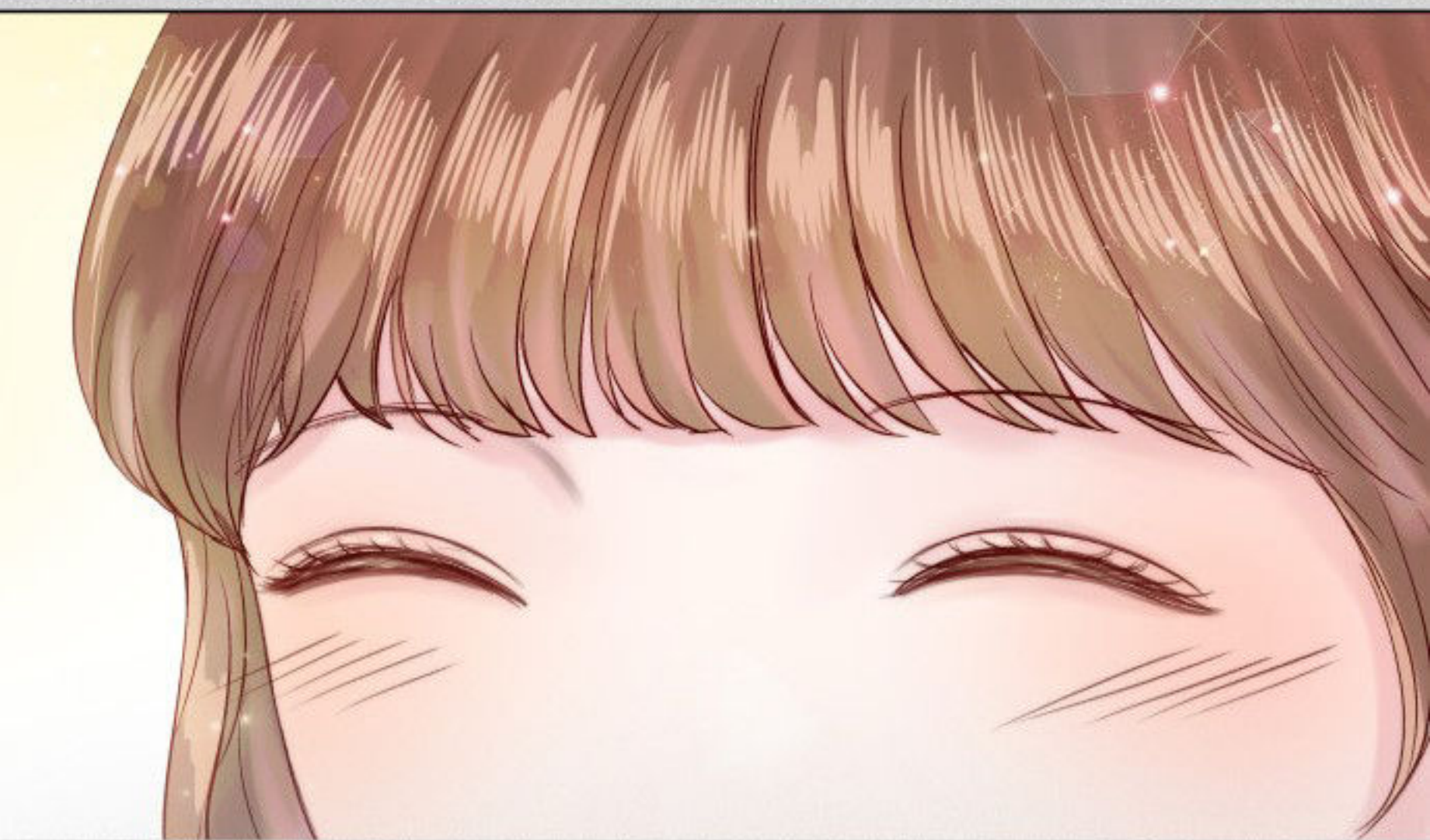
ر... راست میگی؟
میتونم همه شونو
نگه دارم؟



آره. منكه خوندن
بلد نيستم. همش الفبا
رو قاتی ميكنم.



همشون
هديه به تو!



اون موقع فکر
میکردم زندگی من
مثل قصه ها میشه.



باور داشتم که
همیشه خوشحال
میمونم.

اما

* سيلي

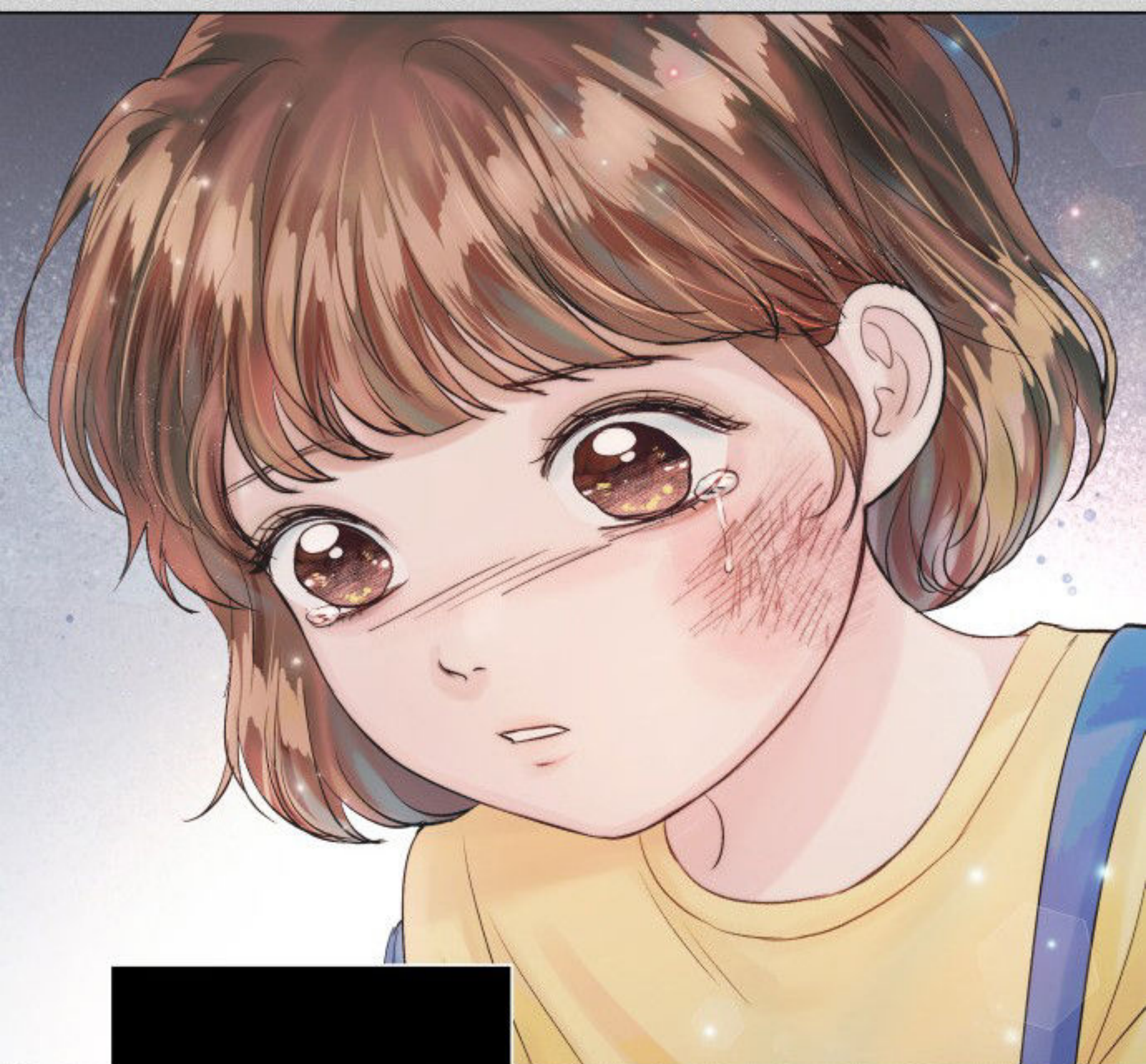


9vkoet





هی دزد کوچولو.
کتابایی که از سانگ هی
دزدیدی رو پس بده.



قصه ی من

پایان خوشی نداره.

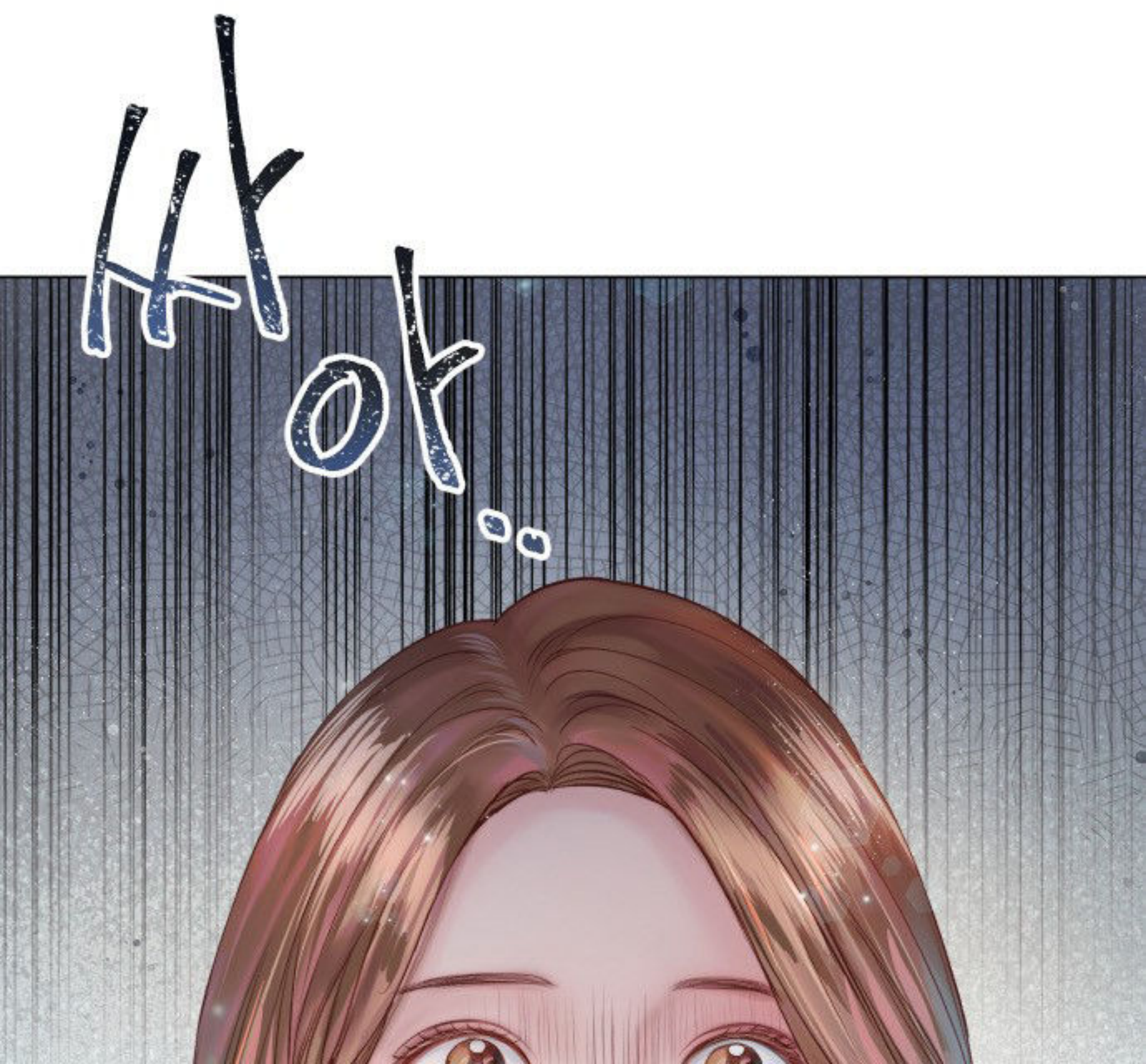
밤
하피엔딩

각색 불사 그림 재림
원작 플아다



لی یون وو!

وړا: و انتظار ها به پایان
میرسد: دی





سلام! از وقتی
ازدواج کردی خبری
از ما نمیگیری.





وہا: خربہ این میلنا. تفہمیدہ
از دست این در رفتہ؟

وای! خیلی
وقتہ ندیدمت!







مدیر عامل
شرکت جی نچرال



ما جین ته



و اوک
سونگ هی.

اون اینجا
چیکار میکنه؟



اگه اون
اینجاست پس...





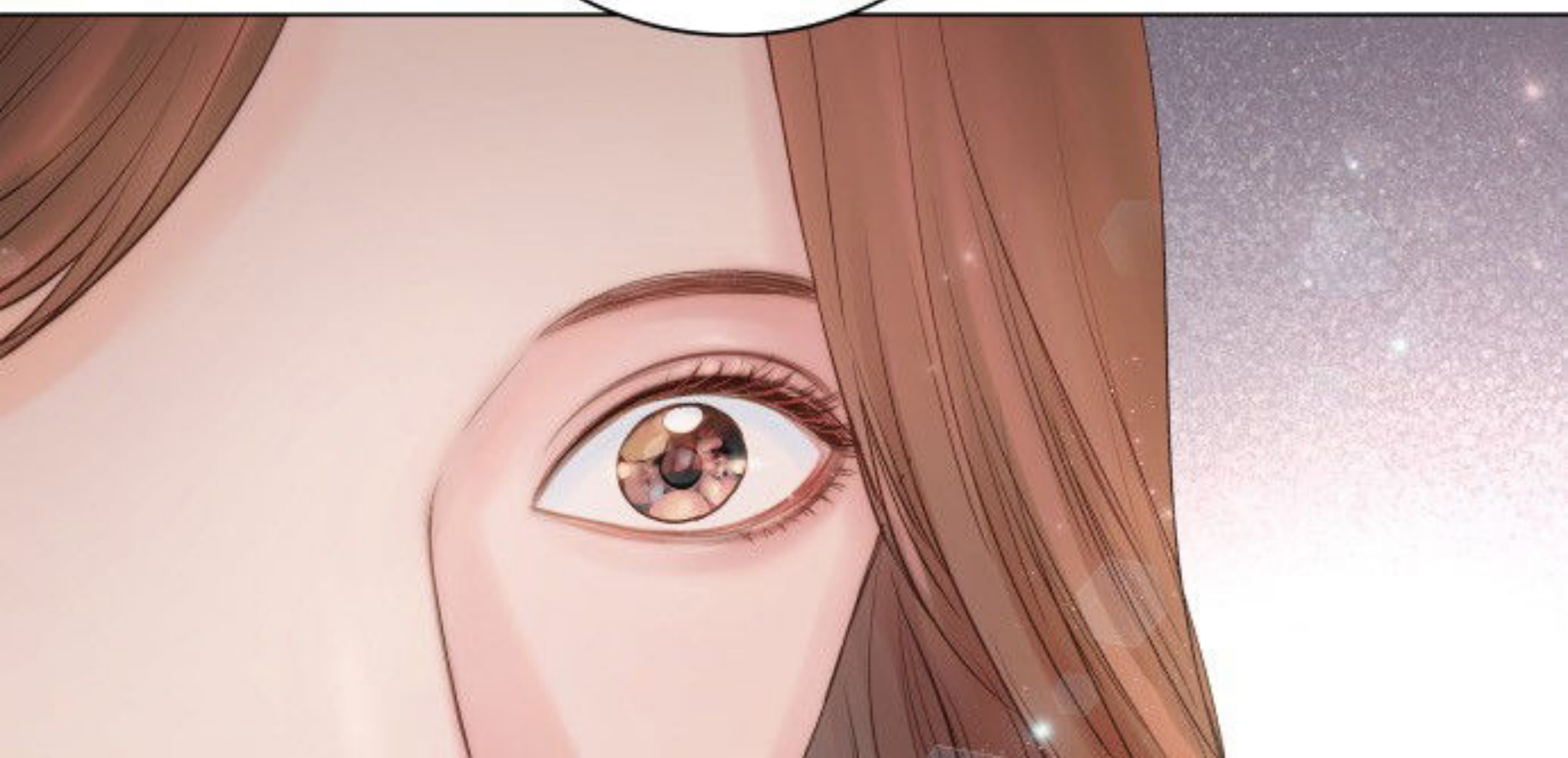
دُکریٰ



ممکنہ کہ...



سلام
ستاره سہیل.



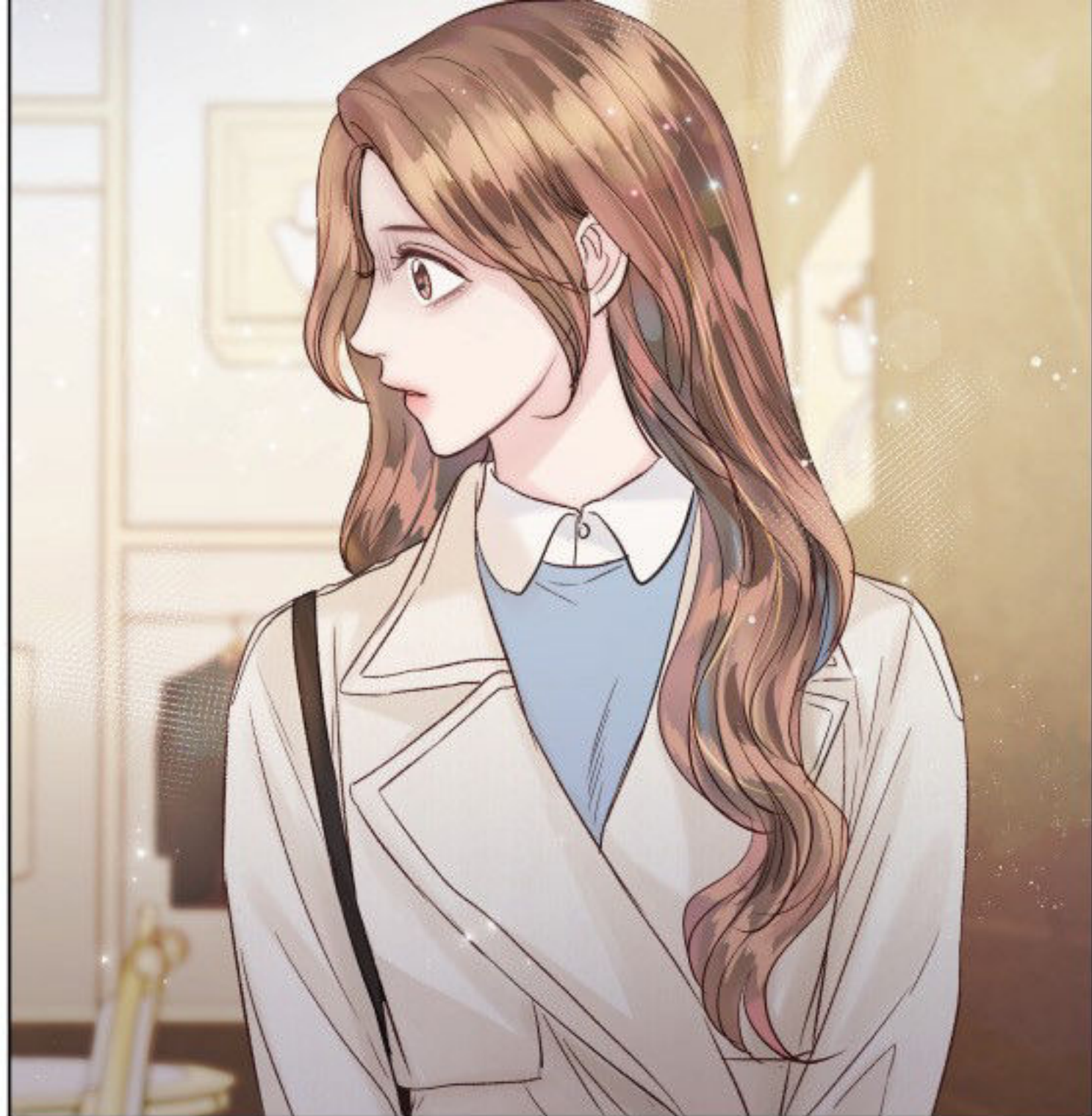


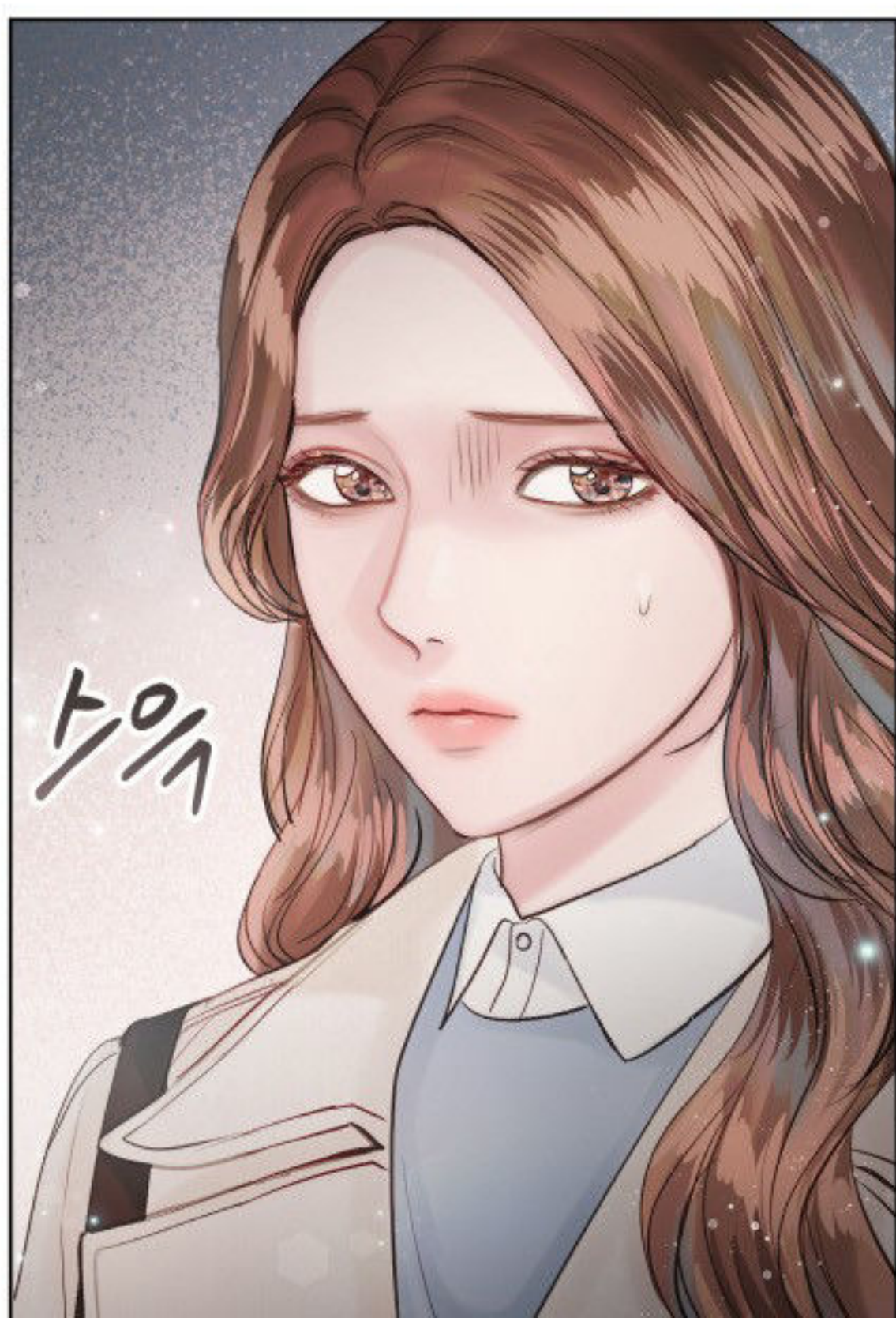
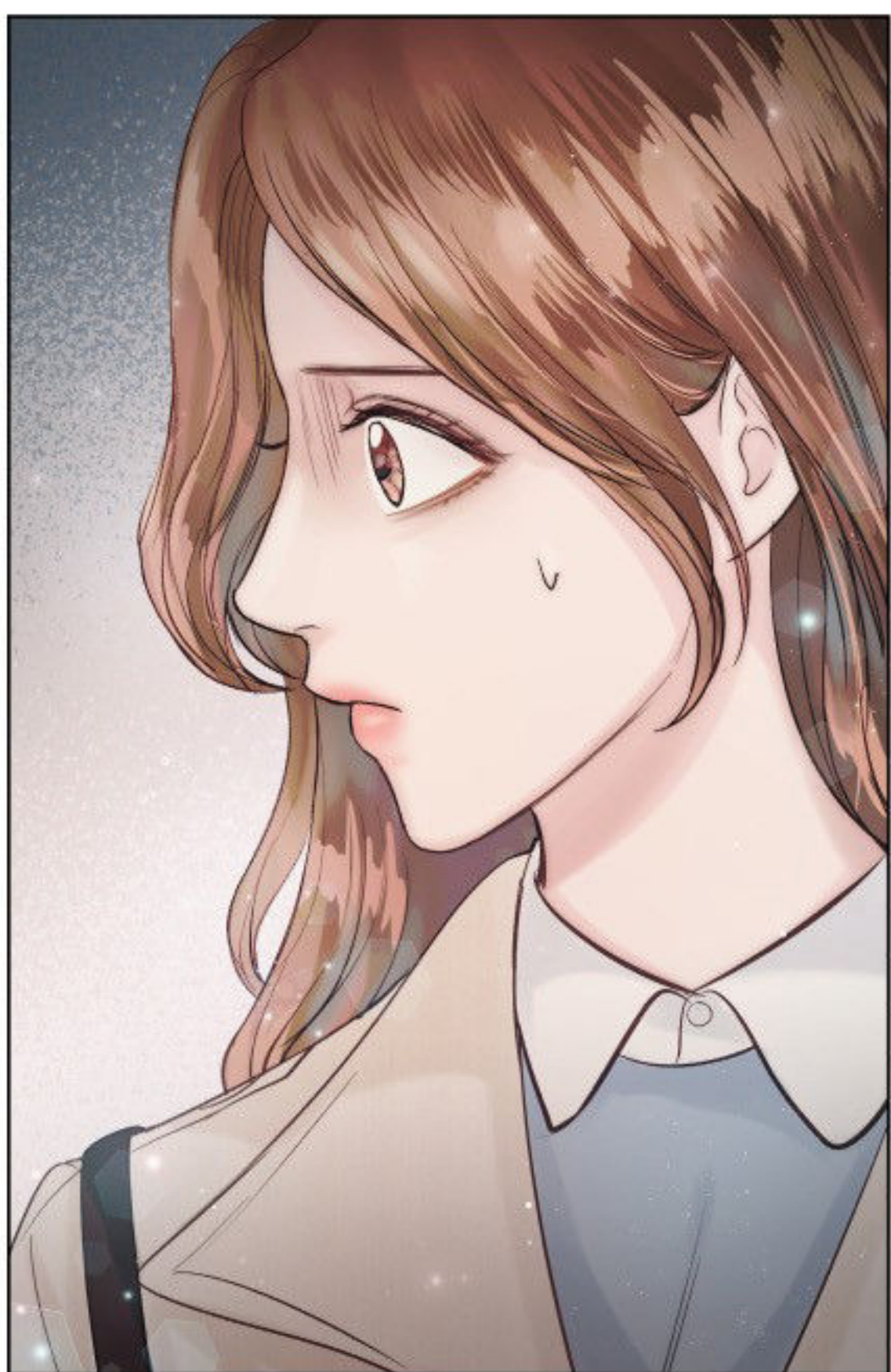
악악

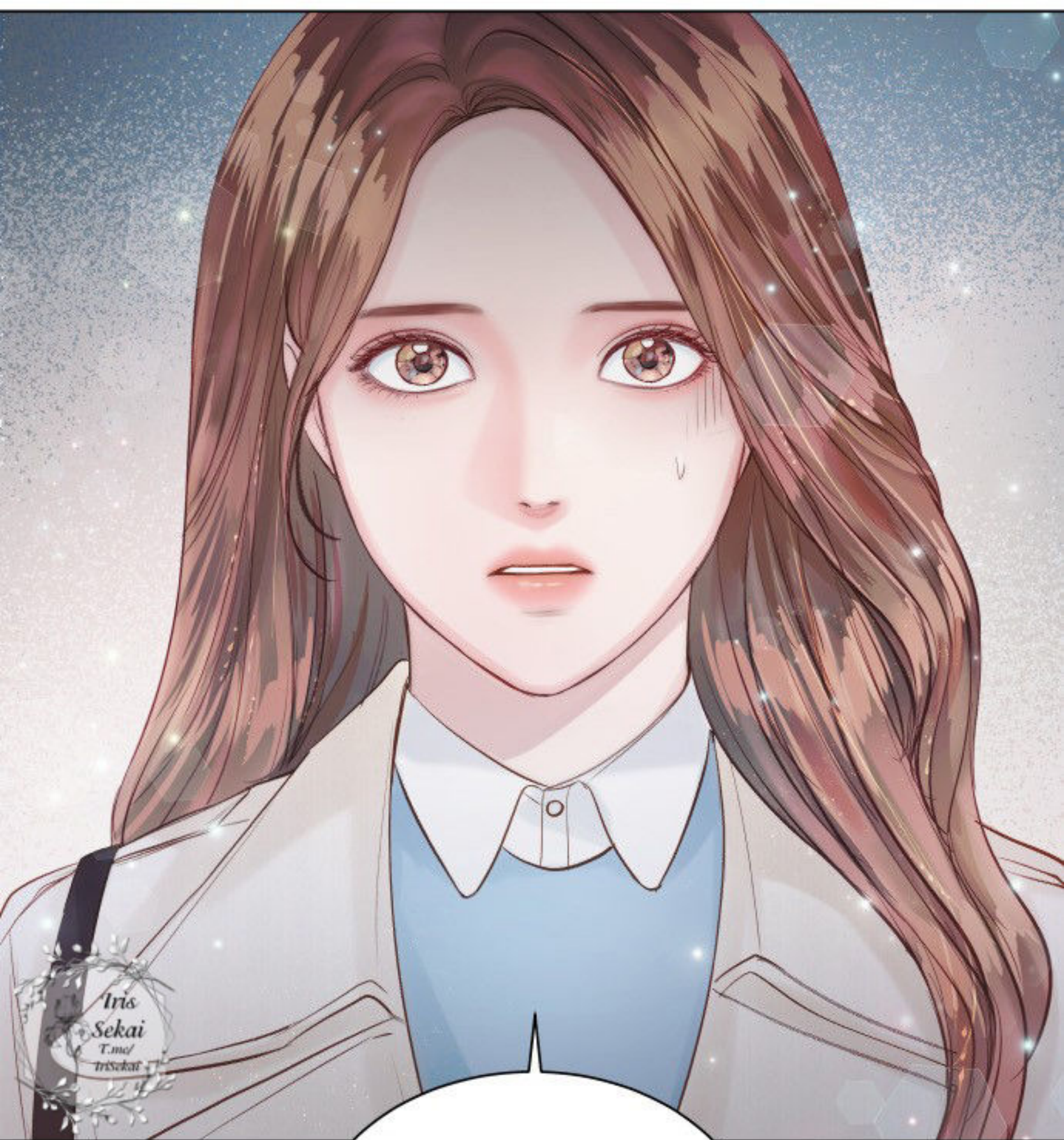


악악









سلام. خوب
هستین شما؟

اوهههه

اوسوم.
تو چطوری؟



دلم خیلی برات
تنگ شده بود.

ورا: از درون دارم خنج
میگم. همراهی کنین.

چه تصادفی!
همین یه ساعت پیش
اینجا رو رزرو کردم.



ما سانگ هی هنوز
اون چیزی که میخواستو
پیدا نکرده.

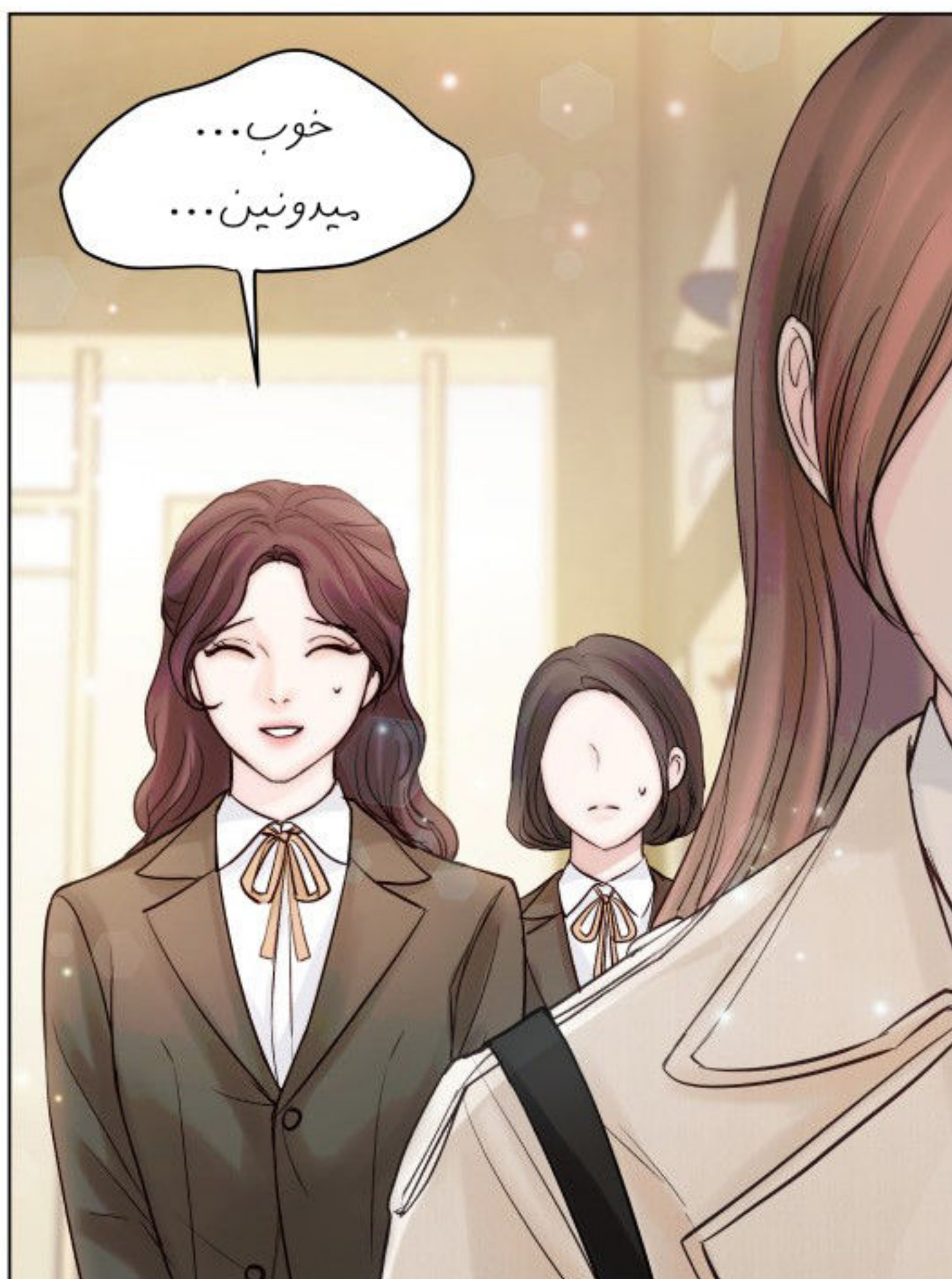
هی، منو
خانم یون وو
آشنااییم.



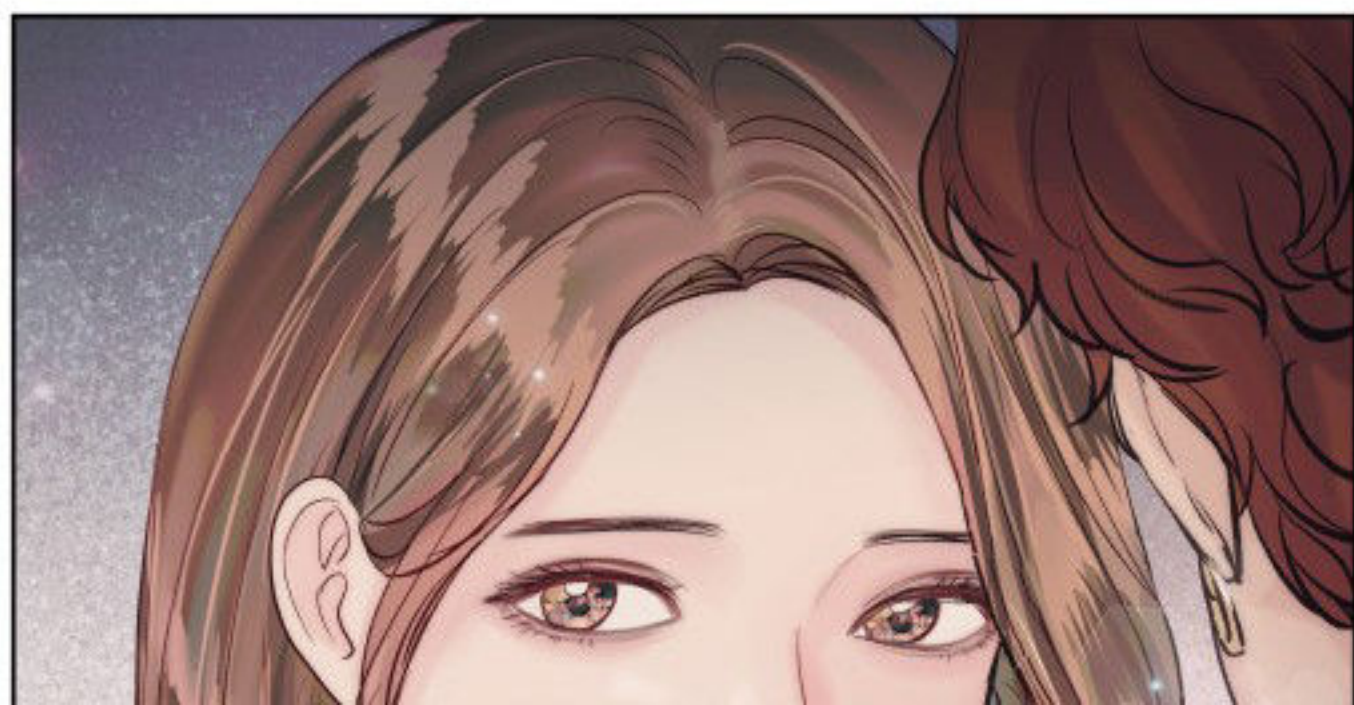


وِرا: ناموت اول چپیره اما من دارم ته می‌کنم.
اصلاً وجودش آزار دهنده است. فقط منم؟

ممکنه وقتمون
هم تموم شد اینجا
کنارش بمونیم؟



خوب...
میدونین...





... نه.
مشکلی نیست.

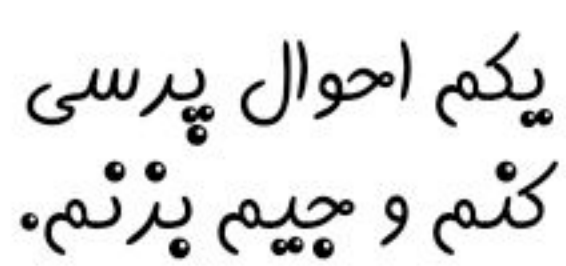
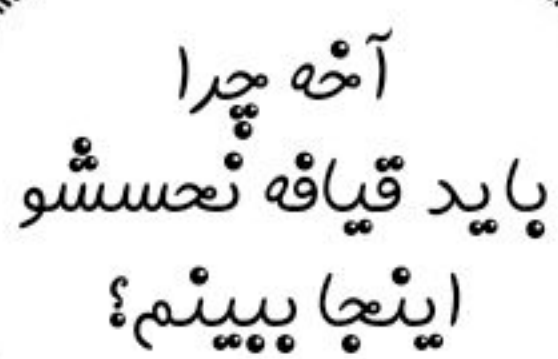
وِرا: فوراً به یک عدد شوهر
با قابلیت ماست جمع کنی نیازمندیم.
یکی زنگ بزنه سون چه ییاد.

چه خوب.
ممنون.













دیگه نمیخوام پا
اونای هیچ رابطه ای
داشته باشم.

این یکی خیلی
بهت میاد!



چقدر این
لباسه خوشگله! بده
من بپوشمش!



چنازه ام...





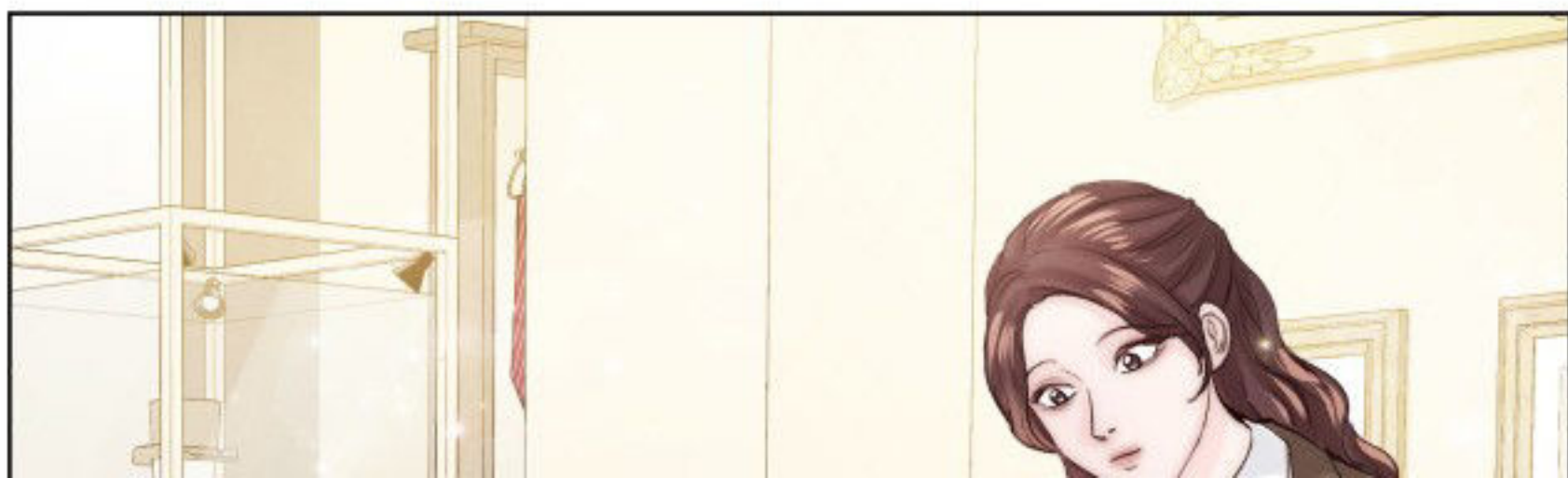
ورا: مجمع جنازگان، دستا بالا (دست بالا)
راین: من نیز دستم بالاست!..



ببخشید،
حالتون خوبه؟

بله بله.
خوبم. ممنون.

فقط میخواهم
پریم مونه.





یکی از اون لباسایی
که انتخاب کردم...

!!!!





وای مامان!

گردنبندمو
ندیدی؟!



گم شه!



امروز
گردنبند تو بسته
بودی؟

آره آره ولی وقتی
داشتم لباس امتحان میکردم
درش آوردم. الانم تو اتاق
پرو نیستش!



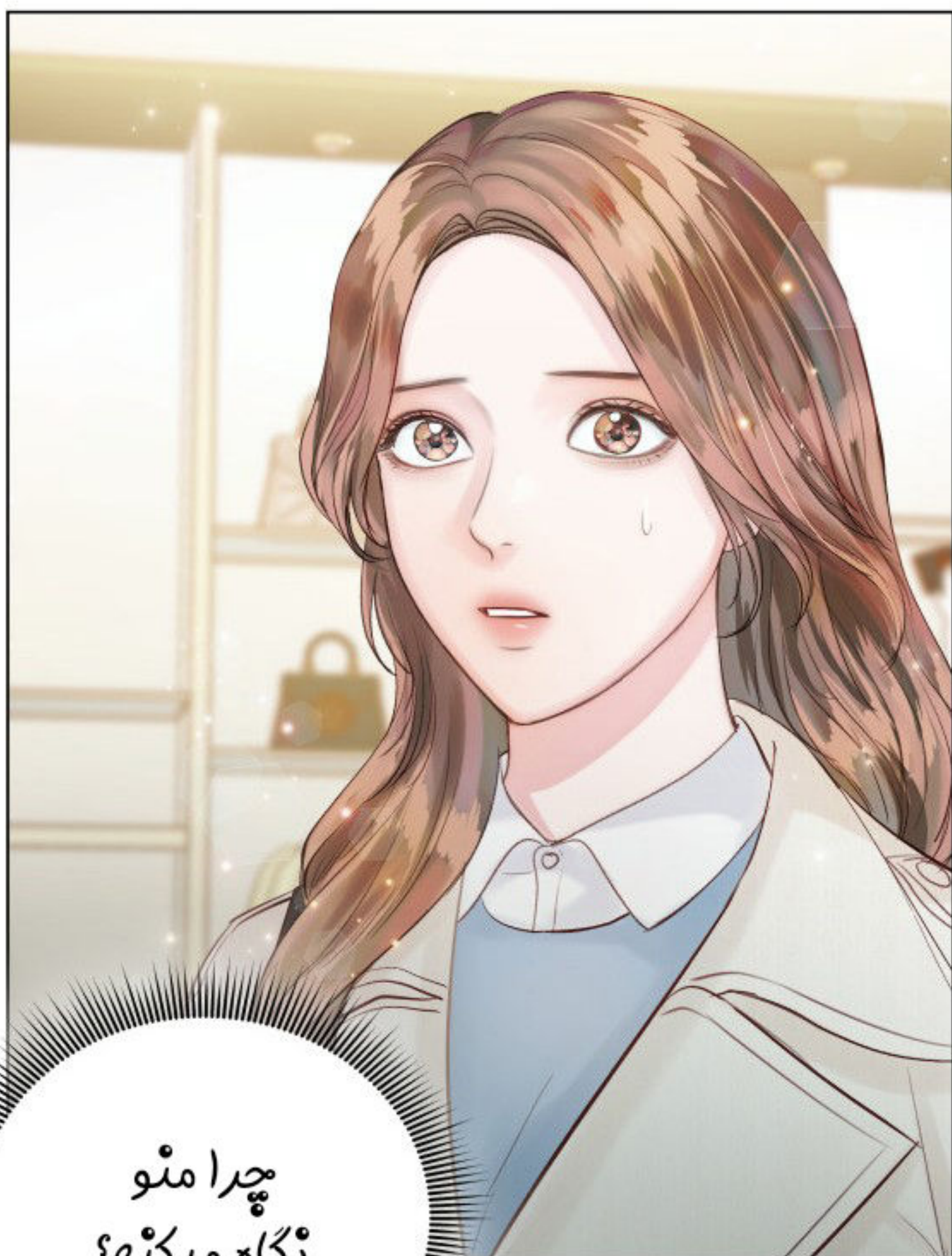


خدا یا! آقا کجا
میتونه باشه؟

اگه کسی برش
نداشته، پس چرا توی
اتاق پرو نیست؟







چرا منو
نگاه میکنه؟

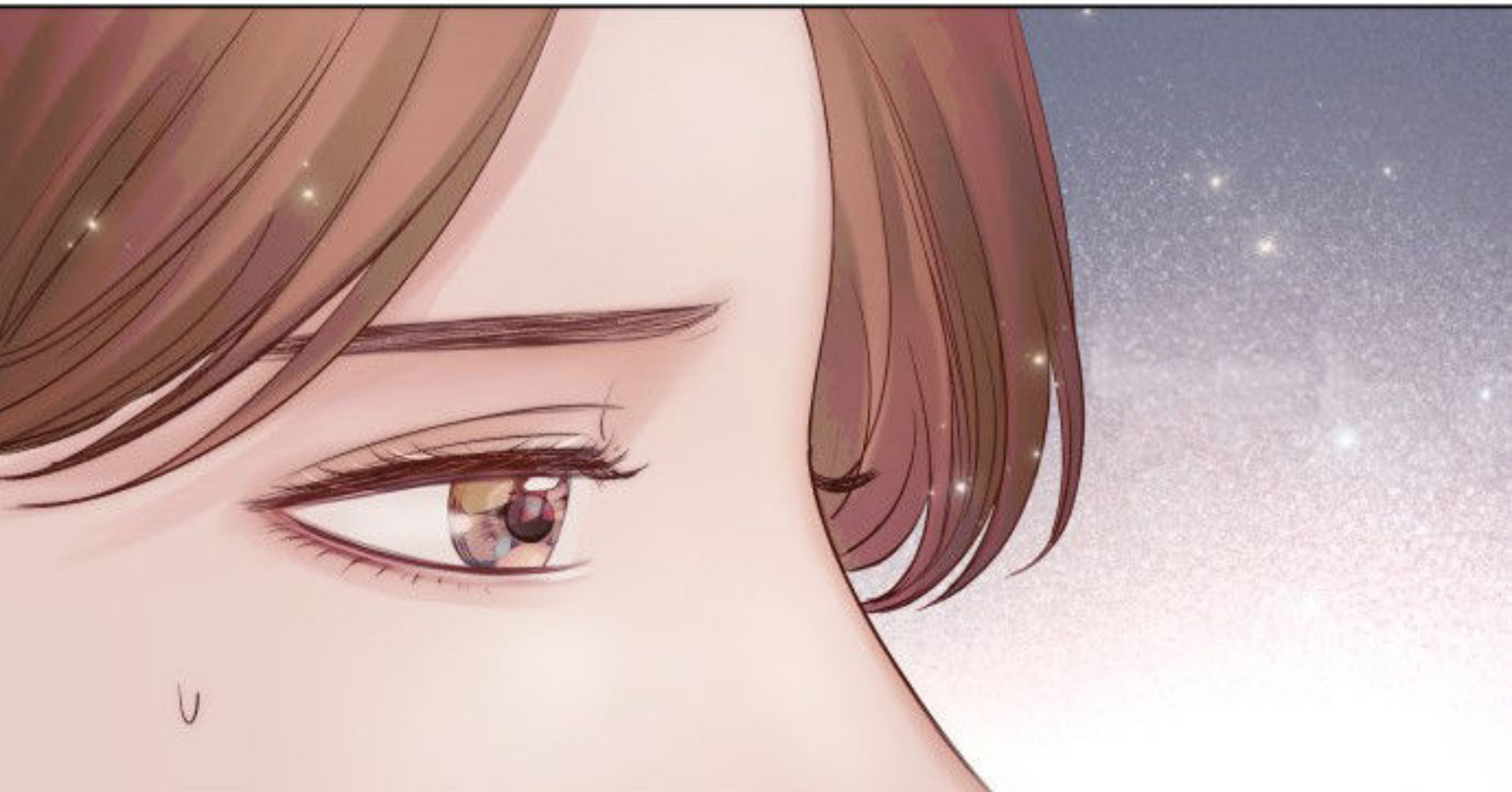
اون کادوی
تولد م بود که بهم
داده بودی.





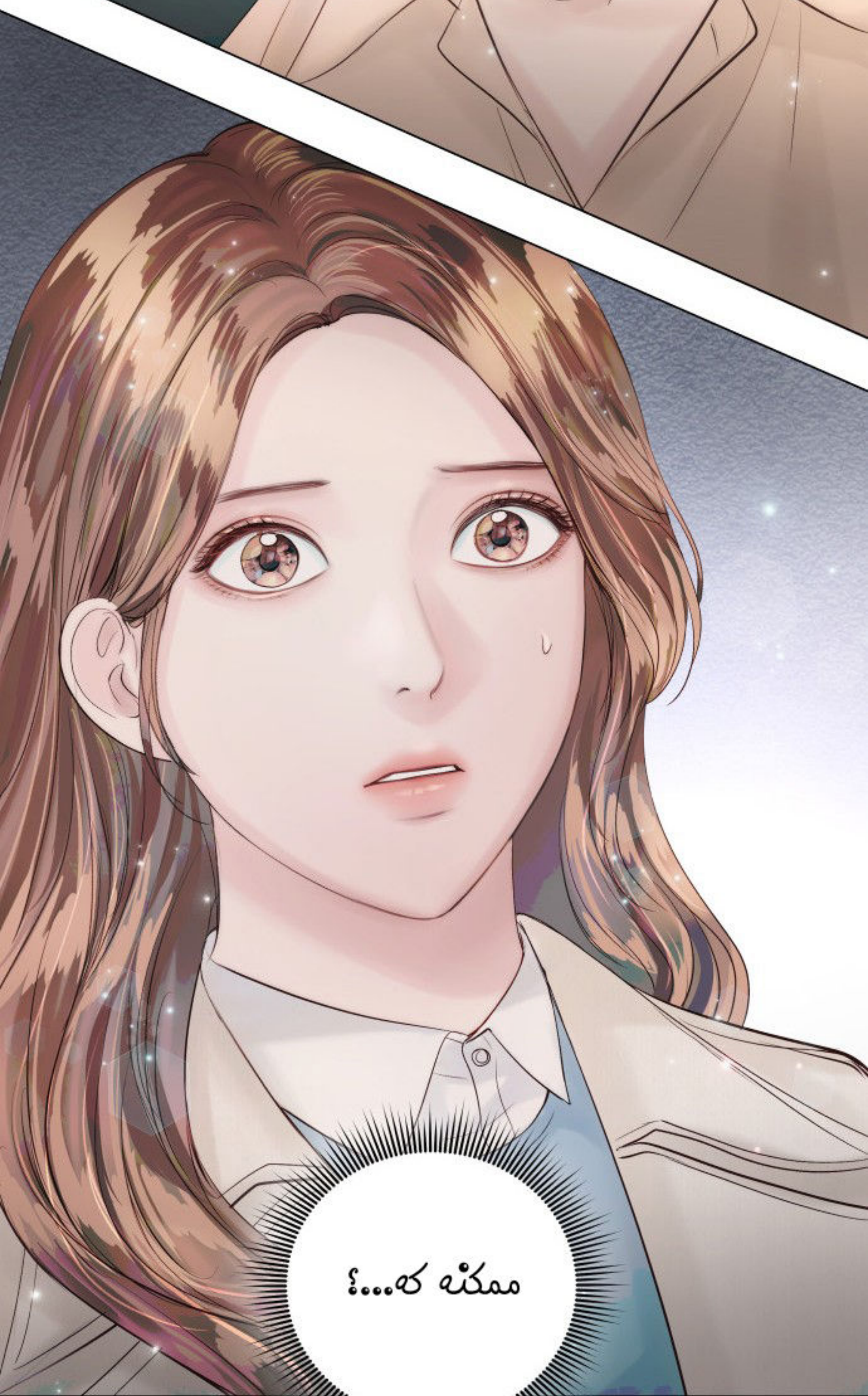
۵۰ میلیون
قیمتش بود!

음찐





అలా



మరిక...?



این اصلاً
خوب نیست.



خیلی میخوام
کمکتون کنم اما الان
کار دارم و باید برم.

میشه اینو
بزارین سر جاش؟
دفعه بعدی با مامانم
برمیگردم.

بله، خانم.

باید سریع
از اینجا برم.

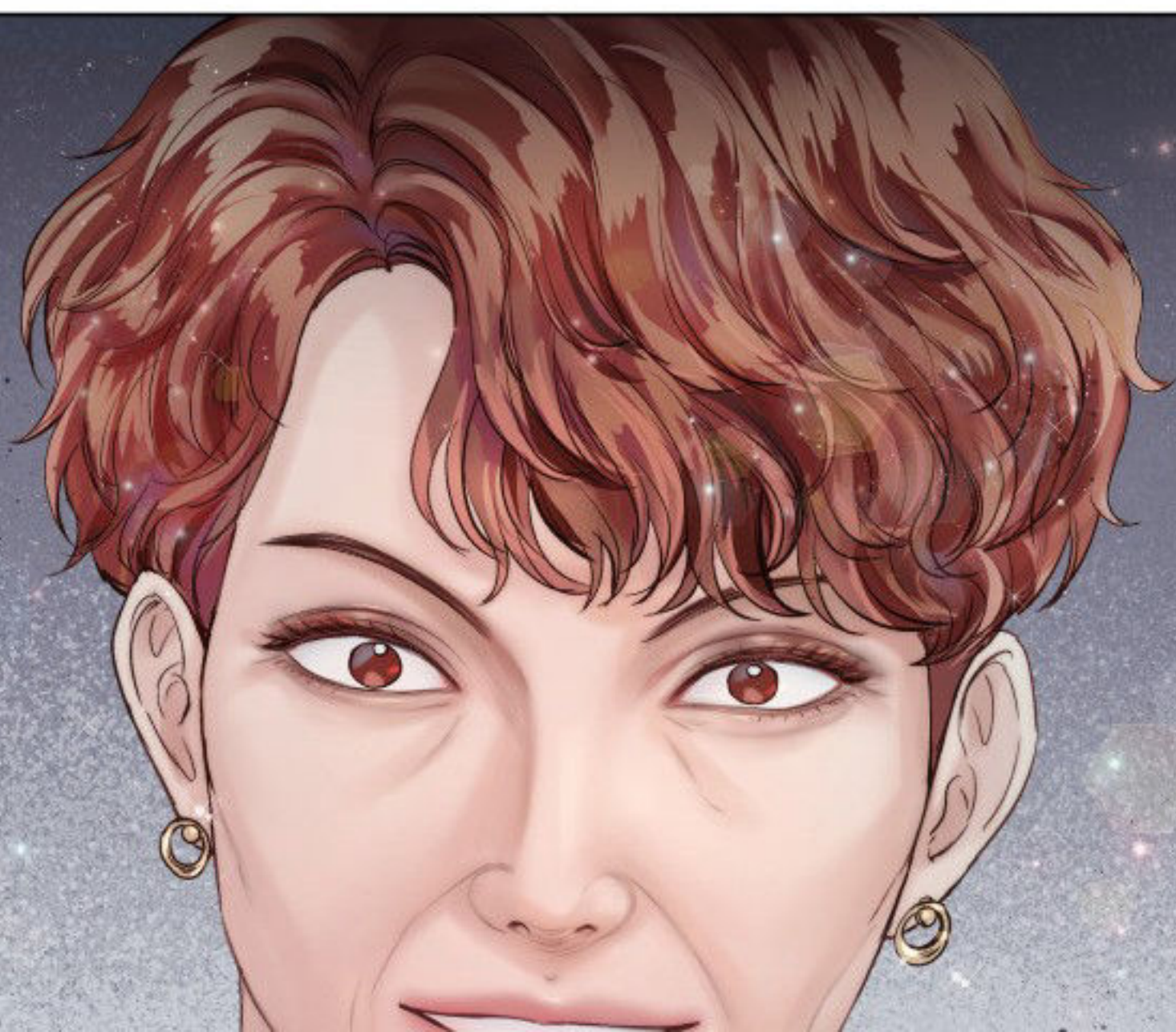


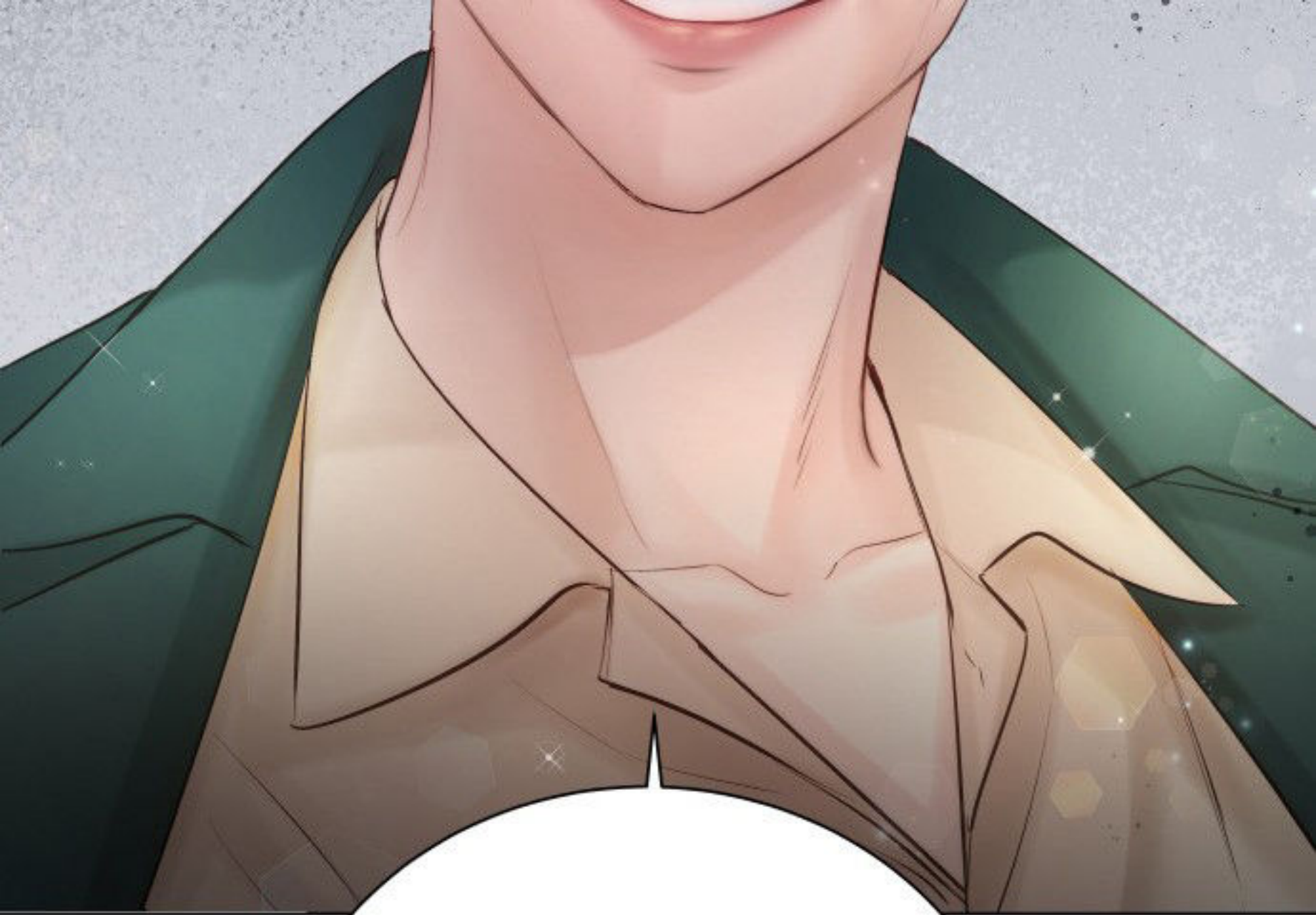
یه دقیقه صبر
کن، یون وو.





اینو میگم اما...





میشه جیب ها
و کیفتو خالی کنی؟
محض احتیاط.

چونکه
تو...

همیشه وقتی
بچه بودی دزدی
میکردی.

وَرَا: به جان خودم آگه یهو گُردنبند از تو جیب یا
کیفش ظاهر بشه ها! از این کلر هبِردار ابعید نی.
رایین: از اینا هیچ انتظاری نمیشه داشت، فقط
امیدوارم سونجه ییاد نباشش بده از این مغمصه.



원고 도움 수리 또바기
승연 아노마
은지

제작 **COPIN**



کانگ سون جه
آنلاین



ممنونم که وقت میزارید. 19:29

و داستان های من و همسرم رو دنبال میکنید. 19:30

اما اگه ببینم این داستان جایی کپی شده. 19:31

چه توی همین تلگرام چه جای دیگه ای. 19:31

منتظر عواقب خطرناکش باشید. 19:31



Message

